

پیشگامان و علمای دینی
عالی مقام علم آسانی
یادداشت‌هایی از ژاپن

● از چشمه خورشید / دکتر هاشم رجب‌زاده

زیارتگاه‌های تهران

کتاب اماکن متبرکه در استان تهران، حاصل تحقیق میدانی خانم دکتر ناومی شیمیزو به سرپرستی آقای پرفسور کوچی کامیوکا، استاد پیشین مؤسسه مطالعات فرهنگ‌ها و زبان‌های آسیا و آفریقا در دانشگاه مطالعات خارجی توکیو، به تازگی (ماه مارس ۲۰۰۹) از سوی این مؤسسه انتشار یافته است. این کتاب در واقع دانشنامه‌ای است برای شناخت جاهای زیارتی و مکان‌های مقدس استان مرکزی. این پهنه جغرافیایی را مؤلف به هفده بخش (شمیرانات، جنوب شرق، جنوب تهران، شرق، شمال غرب، کن، شهر ری، اسلامشهر، رباط کریم، لواسانات، دماوند، فیروزکوه، ورامین و پیشوا، پاکدشت، شهریار، کرج و اشتهارد، جاده چالوس و ساوجبلاغ) تقسیم کرده و نام و مشخصات زیارتگاه‌ها (بر رویهم ۴۵۹ واحد) را در هر بخش جداگانه آورده است (صفحه‌های ۵ تا ۱۷۲). فصل بعدی این کتاب (از صفحه ۱۷۳) معرفی و شرح انواع زیارتگاه‌ها و مکان‌های مذهبی و مقدس است (از آن میان امامزاده، شیخ، پیر، سقاخانه، قدمگاه، قنات و حسینیه)، و نیز مباحثی در شجره‌نامه و انساب صاحبان بقاع، اسناد و منابع تحقیق؛ و در پی آن فهرست مشخصات ۴۵۹ محل فهرست شده با نشانی آن (آدرس شهری یا نام روستا) و نقشه مناطق یاد شده به تفکیک هر بخش آمده است (صفحه‌های ۲۰۲ تا ۲۲۶). فهرستی از مکان‌های مقدس در هر ۱۷ بخش مورد تحقیق در اینجا می‌یابیم (ص

۲۰۲) که می‌نماید که شمار این مکان‌ها در ورامین از همه بیش‌تر است (۵۰ واحد).
صفحه‌های ۲۳۷ تا ۲۳۸ حاوی نقشه این نواحی است؛ و در صفحه‌های ۲۳۹ تا ۳۷۹
عکس‌هایی که مؤلف از این مکان‌ها (شامل نمای بیرونی و درونی بقعه‌ها) برداشته
(۱۱۲۲ عدد) آمده است.

خانم نائوکو شیمیزو، تا آنجا که اطلاع دارم، تحصیل دانشگاهی خود را در دانشگاه
صاحب‌نام کی‌ئو در ژاپن گذرانده، و در دانشگاه تهران تا دریافت درجه دکتری دنبال
کرده، و سپس هم‌زمان با پی‌گرفتن کار تحقیق خود به تدریس زبان ژاپنی در دانشکده
زبان‌های خارجی دانشگاه تهران پرداخته است. دلبستگی وی بیشتر به مباحث اجتماعی
و مطالب جغرافیایی از طریق پژوهش‌های محلی یا میدانی است.

خانم دکتر شیمیزو مقدمه‌ای به ژاپنی در آغاز کتاب، و ترجمه فارسی این مقدمه را
نیز در پایان آن، افزوده، که گویای نگرش وی به موضوع تحقیق، هدف آن، و نیز معرفی
محتوای اثر و شیوه کار اوست. در بخشی از این مقدمه می‌خوانیم: «کتاب حاضر گزارش
مختصری است از بررسی‌هایی که نگارنده در خلال سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ م. /
۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ ه. ش. در خصوص وضعیت موجود اماکن متبرکه به خصوص امامزاده‌ها
در استان تهران، پایتخت ایران، انجام داده است.

«نام جمهوری اسلامی ایران که مذهب رسمی آن شیعه اثنی عشری (دوازده امامی)
است پس از انقلاب اسلامی از سال ۱۹۷۹ م. / ۱۳۵۷ ش. در رسانه‌های غربی از جمله
در رسانه‌های ژاپن اغلب با عنوان "کشور اسلامی سخت‌گیر" همراه بوده است. نیز
بسیاری بر این باورند که... ایران کشوری بنیادگرا است که در آن مذهب بر جامعه
حکم فرما است... اما در ایران پیروان ادیان و مذاهب گوناگونی نظیر اهل تسنن، پیروان
آئین مسیحیت به‌ویژه ارتدوکس‌های ارمنی، یهودیان و زرتشتیانی که پیش از اسلام در
ایران بوده‌اند، علی‌رغم اقلیت بودن، ساکن هستند و براساس اعتقادات خود زندگی
می‌کنند...»

«افرادی که معمولاً عبادت نمی‌کنند نیز به امامزاده‌های دور و نزدیک دلبستگی دارند
و مرتباً به آن اماکن می‌روند و در صورت بروز مشکلات به اماکن متبرکه مشهور می‌روند
و نذر و نیاز می‌کنند. افراد بسیاری نیز برای عبادت به جای مسجد به امامزاده‌ها
می‌روند. گفت‌وگوهایی از این دست را که "این امامزاده بیماران را شفا می‌دهد" یا "این
امامزاده حاجت بچه‌دار شدن را برآورده می‌کند" به کزات می‌توان شنید... به این ترتیب
نگارنده به جایگاه امامزاده‌ها در اعتقاد ایرانیان علاقه‌مند شد. اما متأسفانه در شرایط

فعلی توان پژوهش و تحلیل در خصوص کلیه باورهای ایرانیان از جمله باورهای هامیانه را در خود نمی‌بیند؛ اما معتقد است که با بررسی وضع موجود "اماکن متبرکه" درک گوشه‌ای از آن برایش میسر شده است... بنابراین در قدم نخست بررسی "اماکن متبرکه" را در استان تهران، که خود در حال حاضر ساکن آن است، آغاز کرد... این بررسی‌ها با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه تهران انجام شد...

محتوای بررسی‌ها عمده عبارت بود از عکس‌برداری از وضعیت داخلی و خارجی آرامگاه و پرسش و تحقیق از متولی آرامگاه یا کسانی که پیرامون آن زندگی می‌کردند یا به زیارت آن می‌آمدند... پژوهشگران ایرانی علی‌رغم اینکه به توصیف دقیق معماری اماکن متبرکه مقید هستند، اغلب به این مسئله که آیا این اماکن در حال حاضر دستخوش تغییر و تحول هستند یا خیر علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. نیز، تعداد پژوهشگرانی که بدون حضور در محل [و] صرفاً با استفاده از منابع موجود به انجام توصیفات می‌پردازند بسیارند، و... عدم تطابق توصیفات... با واقعیت‌های موجود بسیار به چشم می‌خورد. به همین دلیل نگارنده معتقد است که... عکس ابزار مؤثری برای انتقال کاملاً عینی و بی‌طرفانه وضعیت موجود اماکن متبرکه است، و عکس‌های کلیه اماکن متبرکه که نگارنده از آن بازدید کرده است پیوست کتاب حاضر می‌باشد...

پس از استان تهران، کار بررسی‌های استان قم به پایان رسیده است و در حال حاضر نگارنده مشغول کار بر روی استان قزوین می‌باشد.

برای سنجش کلی حاصل کار خانم دکتر شمیم‌زوه، کتاب تازه را در فرصتی بسیار کوتاه با فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور تألیف گرانقدر دکتر محمد حسین پاپلی یزدی و همکارانشان (نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، بهمن ۱۳۶۷) که یگانه اثری کم و بیش مشابه است که در دسترس داشتم، برابر نهادم، و چند موردی که در این مرور به چشم آمد در زیر یاد می‌شود:

- در کتاب تازه، نام اجداد هر امامزاده و نسب او تا آنجا که یافته شده به دست داده شده است.

- عرض و طول جغرافیایی یاد شده در اثر خانم شمیم‌زوه دقیق‌تر است (با قید درجه و دقیقه و ثانیه جغرافیایی).

- در معرفی مکان و موقع امامزاده‌ها نام روستای محل آمده؛ که با توجه به تعدد روستاهای هم‌نام در یک استان و حتی یک بخش از تقسیمات کشوری کافی نیست، و بهتر بود که مانند فرهنگ آبادی‌ها نام ناحیه و شهر هم یاد می‌شد.

ISBN 978-4-86337-025-8
Studia Culturae Islamicae No.96
MEIS Series No.12



テヘラン州の聖所

Sacred Places in Tehran Province

اماکن متبرکه در استان تهران

清水直美

Naomi Shimizu

上岡弘二

Koji Kamioka

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

2009

東京外国語大学アジア・アフリカ言語文化研究所
Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa (ILCAA)



- در فرهنگ آبادی‌ها، در فهرست امامزاده‌ها، از «پیر گلیو» یاد نشده، حال آنکه در کتاب تازه به شماره ۱۹۰ (تصویرهای ۵۰۸ و ۵۰۹) ثبت شده است.

- امامزاده فزه خاتون (ش. ۱۸۲، ص ۸۰ کتاب تازه) در فرهنگ آبادی‌ها فیض خاتون پیت شده است.

- نام امامزاده سلطان محمد رضا (ردیف ۲۴۸، تصویرهای ۶۶۹ تا ۶۷۱ کتاب تازه) در فرهنگ آبادی‌ها نیامده است.

انتشار اثر خانم دکتر شمیم‌زو و آقای پرفسور کامیوکا رویداد فرخنده‌ای است، و نمونه‌ای از تحقیق بر رویهم دقیق و درست در این موضوع به دست می‌دهد. این کار اگر درباره مکان‌های زیارتی دیگر استان‌ها هم، با اصلاح شیوه‌کار و رفع اندک کاستی‌ها (که بیشتر نتیجه دشواری کار و کمبود امکانات است) دنبال شود، می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور فهرستی نسبتاً کامل از این اماکن در سراسر کشور پهناور ما در دسترس اهل تحقیق و جویندگان بگذارد.

اشرافیت ژاپن

چمبرلین B.H. Chamberlain، از نخستین ژاپن‌شناسان اروپایی، در کتاب سودمند خود چیزهای ژاپنی که در سال‌های آغازین سده بیستم نگاشته، شرحی خواندنی درباره اشراف ژاپن آورده و نوشته است: «اشرافیت ژاپن را، بسته به اینکه آن را چگونه بنگریم، می‌توان بسیار قدیم یا بسیار جدید دانست. در عصر جدید، و پس از نهضت میجی (بازگشتن قدرت حکومت به امپراتور در سال ۱۸۶۸)، نخستین بار با ضوابطی که در تاریخ ۷ ژوئیه سال ۱۸۸۴ اعلام شد، عنوان‌های اشرافی قدیم به الگوی چینی، که به ترتیب کوه، کوه (که دو واژه متفاوت در نگارش (با خط مفهوم نگار چینی - ژاپنی) اما در تلفظ مشابه است؛ و در زبان چینی اولی کوئو و دومی کانگ خوانده می‌شود)، هاکو، شی، و دان رسمیت یافت. این عناوین که به ترتیب با القاب اروپایی دُوک duke (شاهزاده)، مارکیز marquis، کُنت count، ویگنت viscount، و بارون baron تطبیق می‌کرد، با فرمان سلطنتی به شماری افراد ممتاز و مشخص داده شد. پیش از آن هم جامعه اشرافی در ژاپن وجود داشت. به عبارت دقیق‌تر، دو گروه ممتاز یا اشراف در جامعه بودند؛ یکی گُوگه، بازماندگان و نوادگان «میکادو»ها یا امپراتوران ژاپن باستان، و دیگر «دایمیو»ها یا والیان و خان‌های موروثی که مقام و موقع و مکتب خود را به پشتوانه شمشیر یا به عنایت شوگون، فرمانروای لشکری ژاپن، یافته بودند. با برچیده شدن

دستگاه خانخانی یا امارات موروثی، «دایمیو»ها یا فرمانروایان موروثی ولایات مقام و پایگاه خود را از دست دادند، و در شمار گُوگه یا شاهزادگان آورده و «کازوگو» یا خاندان‌های ممتاز خوانده شدند (ترتیبی که تا میانه سده بیستم و تغییر نظام اجتماعی و سیاسی ژاپن هم بر جای بود). این بزرگ‌زادگان که برابر مقررات وضع شده در سال ۱۸۸۲ به تناسب حَسَب و نَسَب و پیشینه خاندان خود و دیگر ملاحظات به پنج درجه تقسیم شدند، هسته اشرافیت جدید را تشکیل دادند.

«شماری از ممتازان تازه برآمده، که به اعتبار اندیشه و استعداد یا خدمات خود سرآمد می‌شدند، رفته رفته به جامعه اشرافی افزوده شد. با پیروزی ژاپن در جنگ سرنوشت‌ساز با چین (سال‌های ۹۵ - ۱۸۹۴) افراد بسیاری خود را ممتاز ساختند. اعضای جامعه اشرافی از خزانه دولت حقوق و مقرری می‌گرفتند. در مقابل، محدودیت‌هایی هم داشتند؛ چنان‌که برای همسر گرفتن می‌بایست اجازه رسمی بگیرند. نیز، نخستین قانون اساسی ژاپن (۱۸۸۹ م) به شماری از آنها امتیاز عضویت در مجلس اعلا را داد.

نبود حس پرستش و تکریم نسبت به اشراف از خصوصیت‌های ستودنی ژاپنی‌ها است. آنها مانند مردم انگلیس و امریکا «عاشق دلخسته لُرد» نیستند، و نه اینکه هر جا او را دنبال می‌کنند، تقلید او را در می‌آورند، و تخم مرغ و گوجه‌فرنگی طرف دخترشان پرت می‌کنند. توجهی به آنان ندارند. در چشم آنها «آدم آدم است». در بیشتر موارد مردم نمی‌دانند که کسی لقب و عنوان دارد یا نه؛ و جز در خطاب نوشته و روزنامه و کتاب هم به ندرت این القاب را می‌آورند. مثلاً کنت اوگوما را آقای اوگوما (اوگوماسان) می‌گویند. در واقع، مردم بیشتر کشورها چنین‌اند، و تفاخر فروختن و خریدن کار انگلوساکسون است، چنانکه تردید دارم که هیچ زبانی جز انگلیسی الفاظی برای این عناوین و تعارف‌ها داشته باشد.»

مرور زمان و روحیه شرقی

به تازگی وزارت دادگستری ژاپن لایحه‌ای برای از میان برداشتن مرور زمان در قتل و جرایم خطیر دیگر به مجلس داده است. می‌گویند که بسیاری از مردم مصیبت‌دیده و بازماندگان قربانیان جنایات چنین درخواستی داشته‌اند. مرور زمان جرایم مستلزم کیفر اعدام ۲۵ سال، و برای جرایم منتهی به حبس ابد ۱۵ سال است. ناچیز بودن حمایتی که قانون و رویه دادرسی کیفری ژاپن از این مصیبت‌دیدگان و بازماندگان می‌کند، و از جمله

آنکه چندان حق و دخالتی در تعقیب و جریان دعوای جنایی و درخواست مجازات متهم ندارند، همواره مورد شکوه آنان و هدف انتقاد فعالان حقوق اجتماعی و انسانی بوده، و از این میان گروهی به نام «سوروناکای» سال‌ها است که برای الغای مرور زمان تعقیب جرم قتل مبارزه می‌کند. چهار سال پیش مرور زمان این جرایم از ۱۵ به ۲۵ سال افزایش یافت؛ اما در عصر جدید، با همه پیشرفت علم و فن‌آوری کشف جرم، در بسیاری موارد کشف جرم و شناختن و گرفتن مرتکب زمانی دراز طول می‌کشد. وزیر دادگستری هنگام تقدیم این لایحه گفت که این پیشنهاد منعکس‌کننده آرای عمومی است، زیرا که مرتکب قتل باید کیفر ببیند، و به رعایت احساس و نظر قربانیان جنایت و بستگان آنها هم این مرور زمان باید برداشته شود. در برابر این توجیه، شماری از وکلای دعاوی می‌گویند که با گذشتن زمانی طولانی احتمال کشف جرم و یافتن مرتکب بسیار ضعیف می‌شود و دنبال گرفتن تعقیب تلاشی بیهوده است.

نکته جالب در این میان این است که قانون ژاپن با این تغییر یک گام دیگر به شریعت اسلام، که قاعده مرور زمان در حقوق کیفری آن نیست، نزدیک می‌شود. چند سال پیش نیز دوره عده‌ای که زنان برای ازدواج مجدد پس از گرفتن طلاق یا فوت شوهر باید نگاه دارند، و دو ماه پیش نبود، به سه ماه افزایش یافت، که به مدت مقرر در شرع اسلام نزدیک است.

دور زدن همیشه ممنوع نیست

علامت راهنمایی و رانندگی برای «دور زدن ممنوع» نشانه‌ای به شکل وارونه حرف لاتینی U است با فلشی در پایین چپ این خط منحنی با یک ضربدر سرخ که روی آن در دایره تابلوی راهنمایی کشیده شده است. ژاپنی‌ها، که خط‌شان هم در واقع نشانه‌هایی قراردادی است، از این شکل اصطلاح‌ها و واژگان متعدد ساخته‌اند که کاربرد آنها رو به فزونی است. یکی از این اصطلاح‌ها که زیاد گفته می‌شود و معادلی تک‌واژه‌ای ندارد، U turn است (به همین عبارت انگلیسی، اما با تلفظ ژاپنی آن که بنا به مرسوم در تلفظ صدای زبر یا فتحه کشیده برای t جای r ساکن را می‌گیرد، و یوتن تلفظ می‌شود. این اصطلاح برای سفر بازگشت در پایان تعطیل بلند (بیشتر در نوروز، تعطیل بهاره در میانه اردیبهشت، و تعطیل تابستان در فصل زیارت اهل قبور در نیمه ماه اوت) به کار می‌رود، که در مسیر منتهی به شهرهای بزرگ راه‌بندان می‌شود یا که ترن‌ها و هواپیماها با حداکثر ظرفیت مسافر می‌گیرند. اما برای رفتن از ولایت یا زادگاه خود به شهر بزرگ و از آنجا به

ولایتی دیگر که محل کار یا اشتغال کسی است، اصطلاح V turn راه ساخته‌اند؛ که دو سر حرف V هر کدام نشانه مبدأ و مقصد، و زاویه پایین آن نمودار شهر بزرگ میان راه است. هنگامی که سفر، بازگشتی پس از چند روز نیست، و بیشتر حالت سفر یک‌سره را دارد، اصطلاح I turn را می‌آورند؛ که خط راست نمودار سفر یک‌سره است. این اصطلاح سازی از نمای حروف لاتینی در زمینه‌های دیگر هم رواج یافته؛ چنان که در طراحی لباس، بخصوص برای خانم‌ها، حروف H، Y و A به ترتیب برای پیراهن‌های راحت و سراپا یک‌اندازه (لباده‌ای)، پیراهن‌های بالا و سرشانه پهن، و پیراهن‌های پائین پهن اصطلاح شده، و ابداع‌های دیگر هم که تند رواج می‌گیرد در راه است.

دنباله جایزه‌های ادبی امسال

چهارشنبه ۱۵ ژوئیه / ۲۴ تیرماه برندگان امسال دو جایزه مهم ادبی ژاپن معرفی شدند. جایزه «ناتوکی» به خانم کائوری کیتامورا تعلق گرفت، که در مراسم معرفی گفت که خوشحال است که توانسته است امید ناقدان ادبی و ناشران را که سال‌ها مشوق او بوده‌اند برآورده سازد. سوزوکی، برنده جایزه ادبی «اکوتاکاوا» اظهار مسرت کرد که این جایزه را از آن خود ساخته و بدینسان به شوق آمده است که بنویسد و بنویسد. خانم شیرین نظام مافی که در نیمه اردیبهشت ماه برای داستان‌ش، «شیروی کامی» (کاغذ سفید)، جایزه امسال نویسندگان جوان را نصیب خود ساخت، یکی از پنج نامزد نهایی دریافت جایزه ادبی اکوتاکاوا بود.

۲۶۸

لالایی ملکه ژاپن برای کودکان کانادایی

امپراتور و ملکه ژاپن که در نیمه تابستان امسال (۲۰۰۹) برای بیش از یک هفته از کانادا دیدن می‌کردند، در این پهنه آرام شمال قاره جدید برنامه‌های متعدد و متنوع داشتند: حضور و سخنرانی در پارلمان، سر زدن به بنیادهای خدمات اجتماعی، کاشتن درخت یادبود، و دیدار از مرکز فرهنگی کودکان، که در اینجا ملکه برای کودکانی که گرد آمده و سراپاگوش بودند لالایی ژاپنی خواند. این دیدار ده روزه به دعوت دولت کانادا و به مناسبت هشتادمین سال برقرار شدن مناسبات دیپلماتیک میان ژاپن و کانادا برگزار شد. ایران و ژاپن هم امسال هشتادمین سالگرد ایجاد مناسبات دیپلماتیک و مبادله سفیر میان دو کشور را جشن گرفتند. نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران آکی نو کاساما بود، و

اولین سفیر ایران در ژاپن اوانس خان مساعدا السلطنه.

اجرای قانون

روز ۲۹ ژوئیه پلیس ژاپن خانمی ۷۹ ساله را که یک دکه سیگارفروشی دارد دستگیر کرد که چرا به یک دختر نوجوان دبیرستانی سیگار فروخته است. برابر قانونی که از پارسال (۲۰۰۸) به اجرا درآمد، فروش سیگار به افراد نابالغ مجاز نیست، و این نخستین دستگیری و آغاز تعقیب جزایی برای تخلف از این قانون است. برای اجرای مقررات تازه، اسباب و مقدمات وسیع و پرهزینه‌ای تدارک دیده شد، و از آن میان تبدیل وضع شمار عظیمی ماشین‌های فروش سیگار در سراسر کشور تا بتواند کارت الکترونیکی خریداران مجاز را بخواند، و صدور کارت برای همه مشتریان بزرگسال این دستگاه‌های فروش خودکار سیگار. دولت مرکزی و مقام‌های محلی (ایالتی و شهرداری) ژاپن چند سالی است که با عزم جزم به مبارزه با سیگار و به‌خصوص مزاحمت‌های آن برای غیرسیگاری‌ها برخاسته‌اند تا شهرت نامبارک اول بودن ژاپنی‌ها در مصرف سیگار در جهان را از میان بردارند، و این همت و تلاش آنها توفیقی نمایان داشته است. امروزه تقریباً در هیچ مکان عمومی سیگار کشیدن مجاز نیست، و در شماری از شهرها این کار در کوی و گذر هم جریمه و مجازات دارد و کار بر سیگاری‌ها هرچه دشوارتر می‌شود. در ساختمان‌های بزرگ اداری یا تجاری اتاقک‌های کوچک دخمه‌مانندی برای کشیدن سیگار اختصاص داده‌اند که سیگاری‌ها ناگزیر به آنجا پناه می‌برند. یادم است که در دهه ۱۳۴۰ که در دفتر کارم در ایران نوشته‌ای روی میز گذاشته و از مراجعان خواهش کرده بودم که به رعایت حالم در آن اتاق سیگار نکشند، کسانی گفته بودند که این «اعلان» نشانهٔ تبختر و خودکامگی است.

رنج پایان‌ناپذیر هیروشیما و ناگاساکی

دادگاه عالی ژاپن در ماه مه امسال (۲۰۰۹) از دولت خواست که دو خواهان دیگر را از آسیب‌دیدگان بمباران اتمی امریکا در تابستان سال ۱۹۴۵ بشناسد تا بتوانند از مزایای رفاه و درمان ویژه بهره‌مند شوند. وزیر رفاه و بهداشت گفت که از این حکم تجدیدنظر نخواهد خواست؛ اما شاکیان هنوز خشنود نیستند، زیرا که از بیش از ۳۰۰ آسیب‌دیده بمباران اتمی در ۲۵ ایالت که تاکنون درخواست حمایت کرده‌اند فقط ۱۸ نفر توانسته‌اند از دادگاه به نفع خود رأی بگیرند. پیش‌تر، دولت کسانی را که هنگام فروافتادن بمب اتمی

بیش از دو کیلومتر از مرکز انفجار دور بوده‌اند آسیب‌دیده از تشعشع اتمی نمی‌شناخت؛ اما به تازگی این شعاع را به $3/5$ کیلومتر افزایش داده است. آسیب‌دیدگان و حامیان آنان می‌گویند که این مسافت هم بسیار کم‌تر از حد واقعی است، زیرا که اثر سرطان‌زایی و دیگر عوارض بدنی تشعشع اتمی تا ۱۰، ۱۵، و حتی ۲۰ کیلومتر از مرکز انفجار نمود پیدا می‌کند. تعداد آسیب‌دیدگان بازمانده اکنون به $240/000$ نفر می‌رسند. شهردار ناگاساکی تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده است تا رئیس‌جمهور آمریکا را وادارد تا در سفر آتی خود به ژاپن از این شهر نیز دیدن کند، و مصائب انسانی کاربرد سلاح اتمی را از نزدیک ببیند. نوجوانان ناگاساکی هم با تشکیل جمعیت‌های داوطلب می‌کوشند تا نظر سیاست‌گذاران جهان را به ضرورت محو کامل این سلاح جلب کنند.

یکصد سالگی دازای

امسال (۲۰۰۹) درست یک سده از تولد اوسامو دازای، نویسنده همیشه محبوب جوانان ژاپن، می‌گذرد؛ و در بزرگداشت او مراسمی، بیشتر در ایالت زادگاهش، ایواته، برگزار می‌شود. دازای (۱۹۴۸ - ۱۹۰۹)، که نخستین اثر خود را در ۱۶ سالگی به قلم آورد، داستان‌نویسی است که بی‌گمان بیش از هر نویسنده دیگر ژاپنی در چند دهه گذشته ذهن مردم این دیار را به خود داشته است. ژاپنی‌های آشنا با ادب ایران او را به ملاحظه همانندی‌ها در حال و هوای داستان‌ها، رسم و راه زندگی، و فرجام کارش «صادق هدایت ژاپن» می‌شناسند. دازای دانشگاه را به سر نبرده رها کرد، و در فاصله‌ای کوتاه داستان‌هایی را که از ذهن و جانش لبریز می‌شد روی کاغذ آورد. در سال ۱۹۳۵ تلاشی نافرجام برای خودکشی کرد، در حالی که چهارده تا از داستان‌هایش را با عنوان «سال‌های قهقرا» در پاکتی گذاشته بود تا پس از مرگش منتشر شود. در سال ۱۹۳۶ به تلاشی دیگر برای خودکشی دست زد. بلای اعتیاد، افسردگی، بیماری ریوی و بمباران سال‌های جنگ او را آواره ساخت. در سال ۱۹۴۷ نخستین اثر درخشانش واپولین - نو - تسوما (زن یا همسر ویلن) و در پی آن شایو (خورشید غروب) را منتشر کرد. دومین داستان بلندش، نینگن شیکاگو (ناآدمیزاد)، در سال ۱۹۴۸ درآمد، و ناقدان ادبی آن را از خورشید غروب هم بهتر دانستند.

دازای در ناآدمیزاد یازده رباعی خیام را از زبان آدم‌های داستانش نقل کرده است. او این رباعی‌ها را از ترجمه ژاپنی آنکه ریوهو هوری‌ئی در سال ۱۹۴۷ آماده و منتشر ساخت برگرفته است.

عکس یادگاری

این روزها برداشتن عکس یادگاری، بی‌مناسبتی خاص، در ژاپن کسب پررونقی شده است. ژاپنی‌ها چندان عادت نداشته‌اند که برای یادگار از خود و خانواده‌شان عکس بگیرند. برای بیشتر کارهای رسمی به عکس نیاز نیست؛ و آنجا که عکس‌دار بودن سند ناگزیر است، مانند گذرنامه، اتاقک‌های خودکار عکاسی که در هر گوشه و کنار شهرها گذاشته‌اند، راه‌گشا است و با انداختن سکه‌ای می‌توان در چند دقیقه عکس «پرسنلی» گرفت و رفع نیاز کرد. شماری از اداره‌ها هم، مانند مراکز صدور گواهینامه رانندگی، عکاسخانه کوچکی دارند که آنجا با گرفتن هزینه کار مراجعان را راه می‌اندازند (هر چند که عکس‌هایی می‌گیرند که گمان ندارم که هیچ‌یک از ایرانی‌ها رغبت کند که توی گواهینامه‌شان بزنند).

عکس‌های یادگاری تکی، خانوادگی و دستجمعی را بیشتر در روز عروسی برمی‌دارند. در این سال‌ها گرفتن عکس یادگاری هنگام رسیدن فرزندان به سن معین (مانند سه، هفت، و پنج سالگی که برابر رسم ژاپن با مراسمی همراه است) رایج شده است. در آغاز سال رسیدن به سن بلوغ (بیست سالگی) هم به‌خصوص دخترها، عکس چهره (پرتره) می‌اندازند؛ زیرا که به احتمال برای همسریابی به رسم قدیم («به ژاپنی: اومیای») که با مبادله عکس آغاز می‌شود، به کار می‌آید. بهترین عکاسخانه‌ها را در هتل‌های بزرگ و معروف که محل برگزاری ضیافت‌های مجلل است، و نیز در تالارهای جشن عروسی، می‌شود سراغ کرد.

تازگی‌ها شمار سالمندانی که برای گرفتن عکس یادگاری به عکاسخانه‌های معروف می‌روند رو به افزایش است. این عکس‌ها بیشتر برای مراسم ترحیم است، که برای توانگران و معاریف در تالارهای بزرگ برگزار می‌شود؛ اینجا عکس قاب‌گرفته بزرگی از متوفی در میان دیواری از گل (بیشتر گل‌های سفید داوودی) در بالای تالار و در محلی صحنه مانند زینت اصلی است. در همه این عکس‌ها، چهره‌ها می‌خندند. از سالمندانی که به عکاسخانه‌ها می‌آیند، کسانی که روحیه بهتری دارند می‌گویند که عکس یادگاری را نخست برای جشن هشتاد و هشت سالگی‌شان می‌خواهند که بعد هم زینت مجلس یادبودشان خواهد شد (در ژاپن، به رسم قدیم، رسیدن به شصت، هفتاد، هفتاد و هفت، هشتاد و هشت، و نود و نه سالگی را جشن می‌گیرند). کسانی هم که بیماری مهلک دارند، می‌خواهند پیش از آنکه چهره‌شان از ضعف و بیماری درهم شود نقشی از خود

بر جمعی جادو بنشانند، و بازماندگان سیمایی سالم و سرحال از ایشان ببینند. شماری هم می‌گویند که دوست دارند که چهره خندانشان همیشه جلوی دید فرزندانشان که بزرگ شده و خانه و زندگی جدا و مستقل دارند، باشد تا آنها همیشه احساس کنند که حال پدر و مادرشان خوب و خوش است و نگران آنها نباشند.

در این احوال، شماری از سالمندان که عکاسان حرفه‌ای هستند گروه‌هایی تشکیل داده‌اند که از همدیگر عکس می‌گیرند، و با این سرگرمی هم از تنهایی خود می‌کاهند و هم از هزینه گزاف پرتره برداشتن در عکاسخانه‌های معروف می‌رهند. با پیر شدن جمعیت ژاپن، بسیاری هستند که تنها زندگی می‌کنند و در پی راه‌هایی اند که چند صباح مانده از عمر را با دلخوشی بگذرانند یا اثری از خود به یادگار بگذارند؛ نقشی بر دیوار یا سایه‌روشنی بر کاغذ عکاسی، اگر هم نقشی بر صفحه روزگار نباشد.

آتش‌بازی تابستان

تابستان و میانه دایمی و رطوبت هوا در ژاپن فصل آتش‌بازی است. ژاپنی‌ها می‌گویند که شامگاه یک روز گرم که خورشید سوزان تازه در پشت کوهسار از نفس افتاده است، به دیدن شکفتن گل‌های آتش در آسمان احساس خنکی می‌کنند. آتش‌بازی که بیشتر در ماه هفتم سال و در اوج فصل گرما برگزار می‌شود، از جاذبه‌های اصلی جشنواره‌های تابستانی ژاپن است. شهرهای بزرگ و نیز مکان‌های بیلاقی سال‌های بسیار است که در فصل جشنواره، خود آتش‌بازی ترتیب می‌دهند و در بهتر و باشکوه برگزار کردن آن با هم رقابتی سخت دارند. بیشتر هزینه این آتش‌بازی را که در آن گاه ده‌ها هزار خمپاره گل‌افشان در یکی - دو ساعت آغاز شب به هوا می‌رود، بنگاه‌های تجاری بزرگ می‌پردازند، که در آن میان برای خود هم تبلیغ می‌کنند. از آتش‌بازی‌های معروف ژاپن آتش‌بازی در آسمان رود یودو (یودوگاوا) در توکیو در اواخر ماه ژوئیه و آتش‌بازی بر فراز رود سومیدا در اوساکا در اوایل این ماه است. در دو کناره رودخانه جایگاه‌هایی برای مردم ساخته می‌شود تا از آنجا به تماشای آتش‌بازی بنشینند. جایگاه‌های مهمانان اختصاصی جشنواره یا معاریف شهر به صورت جای تماشاگران در تماشاخانه‌های نوه (نمایش آئینی ژاپن) ترتیب می‌یابد و فضایی که برای هر خانواده تخصیص داده شده است با نرده‌های خیزران از جایگاه‌های کناری جدا می‌شود. نگارنده این یادداشت در سی و چند ساله گذشته آتش‌بازی‌های کنار رود یودو در توکیو و کنار رود سومیدا در اوساکا، و نیز بالای رود شهر ایسه، مرکز ایالت می‌یه و مقر بزرگ‌ترین زیارتگاه شیئتوی

ژاپن، و فراز دریاچه کاروئی زاوا در ایالت ناگانو، را هر کدام یک بار، دیده است. جمعیتی که برای دیدن این آتش‌بازی‌ها انبوه می‌شود، در هیچ رویداد و جشنواره دیگر ژاپن نظیر ندارد و حتی سیل خروشان مردمی که در آغاز سال نو به زیارتگاه میجی (میجی جینگو) می‌رود و برای تنظیم حرکت آنها چراغ‌های راهنمایی در کوچه باغ معبد نصب می‌کنند، به این اندازه انبوه نیست.

ساختن وسایل و خمپاره‌های آتش‌بازی در ژاپن پیشینه‌ای چند صد ساله دارد؛ و گفتنی است که میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم مقتدر و تجمل‌پرست ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه که ضیافت‌های شام او در پارک اتابک مهمانی‌های دربار قاجار را بی‌روتق ساخته و آتش‌بازی پایان شب این ضیافت‌ها به تصدیق دیپلمات‌های اروپایی در فرنگ هم بی‌نظیر بود، وسایل آتش‌بازی را از ژاپن وارد می‌کرد، که این موضوع با توجه به مسافت این سر تا آن سر قاره آسیا و وسایل نقلیه آن روزگار و سنگینی اسباب و خمپاره‌های آتش‌بازی شگفتی برانگیز است.

هاروکی موراکامی

کتاب تازه هاروکی موراکامی داستان‌نویس ژاپنی که با عنوان IQ84 منتشر شده با استقبال گسترده روبرو شده است و نسخه‌های تازه از چاپ درآمده آن را چون برگ زر می‌برند. داستان این کتاب بر محور رویدادی نوظهور در سال ۱۹۸۴ میلادی می‌گردد که در آن تولیدکنندگان عمده مواد غذایی بسته‌بندی شده با پدیده تازه‌ای روبرو شدند که باج‌خواهی کلان با تهدید مسموم کردن فرآورده‌های خوراکی آنها بود. یک راز توفیق این نویسنده را این می‌دانند که نظرش را به چیزها و رویدادهای تازه معطوف می‌کند یا اینکه در میان داستان‌هایش تصویری دلپذیر از آنان که در زندگی‌اش مطرح بوده‌اند به دست می‌دهد. کتاب‌های داستان او تاکنون نه میلیون نسخه به فروش رفته، و کتاب تازه‌اش در همان هفته نخست یک میلیون خریدار داشته، حال آنکه پرخواننده‌ترین کتاب در یک دوره شش ماهه ۱/۸ میلیون خریدار یافته است.

هدیه‌ای برای خودم

ژاپنی‌ها جز مناسبت‌های خاص مانند خانه نو ساختن یک دوست یا خویشاوند، بازنشسته شدن، یا توفیق نمایان یکی از نزدیکان، در دو موسم سال که یکی پیش از سال نو و دیگری آغاز تابستان است برای کسانی که با آنها مناسبات ویژه و احترام‌آمیز دارند -

مانند رؤسای مستقیم در کار یا معلم فرزندان و مدیر مدرسه‌شان - یا کسانی که در شش ماهه گذشته یاری و مساعدتی درخور تقدیر نشان داده‌اند، هدیه می‌فرستند. هدیه‌های نوروزی و تابستانی (که به ژاپنی به ترتیب «ئوچوگن» و «ئوسیبو» خوانده می‌شود، در تنظیم اقتصاد ژاپن اهمیت عمده دارد و دلیلی بر اینکه فروش یک روز شماری از فروشگاه‌های بزرگ در این موسم از درآمد یک ماه آنها در دیگر ایام بیشتر است.

امسال در فصل فرستادن هدایای تابستانی گرایشی تازه و شگفتی‌برانگیز جلب نظر کرد، و آن سفارش دادن و فرستادن هدیه از سوی شماری از مردم به نشانی و برای خودشان بود. ناگفته پیداست که اهل کسب از این جریان تازه خوشحالند؛ و جامعه‌شناسان این را آغاز جریان تازه‌ای می‌دانند که نظیرش را پیش‌تر می‌شد در شیوه‌های دیگری از «به خود رسیدن» دید، چنانکه کسی برای تغییر و تازه کردن حال و هوای زندگی‌اش به سفری پرهزینه می‌رود تا که چند روزی زندگی راحت و پرتجمل را تجربه کند، یا که مبلمان خانه‌اش را بی آنکه ضرورتی ظاهری ایجاب کند عوض می‌کند، یا که چیز گران‌قیمتی برای خود می‌خرد تا از ملال ناخودآگاه و دل‌مردگی درآید. گویا همین احساس و گرایش است که امروزه به صورت فرستادن هدیه، و گونه‌ای «پذیرایی کردن از خود» درآمده است؛ و شاید که آغاز رسم تازه‌ای در زندگی امروز، که انسان‌ها هرچه بیشتر احساس تنهایی می‌کنند، باشد.

۲۷۴

شهر فرنگ ژاپنی

نسل بالاتر از میانسال امروز در ایران هنوز شهر فرنگ را به یاد دارد؛ جمعه جادویی که پیش از به عرصه آمدن سینما و سپس تلویزیون بچه‌ها را مجذوب می‌ساخت و چند دقیقه‌ای در برابر سکه‌ای به «شهر فرنگی» که دستگاه را میان کوچه و نزدیک خانه‌شان از کولش زمین گذاشته بود، صورت را به یکی از پنجره‌های گرد جلوی دستک‌ها می‌چسباند و چند دقیقه‌ای به نظاره داستان مصور امیرارسلان یا افسانه دختر شاه فرنگ می‌نشست. «شهر فرنگی» تومار تصویرها را که مانند فیلم دوربین‌های عکاسی قدیم تری دستگاه بود با دسته‌ای می‌گرداند، و هم‌زمان صحنه‌ها را نقال وار شرح می‌داد. تلویزیون که آمد، شهر فرنگ در کوتاه زمانی از کوی و گذر شهر ناپدید شد.

ژاپنی‌ها «کامی شی بای» داشتند که کار همان شهر فرنگ را می‌کرد؛ با این تفاوت که بچه‌های یک محله، چند ده نفر، می‌توانستند پای داستان‌گویی نقال دوره‌گرد که صحنه‌ها

را روی مقوا یا لوح چوبی نقاشی کرده بود و یکی پس از دیگری نشان می داد، بنشینند؛ آنهایی که پول توجیبی نداشتند الزامی نبود که سکه ای بدهند، و آنان که پول می دادند شیرینی یا آب نباتی می گرفتند، گویای اینکه هنر تصویرگری و داستان‌گویی نقال کالا نیست و پول را برای شیرینی می دهند. کامی شی بای بچه‌ها را هم به نقاشی کشیدن از همان خردسالی تشویق می کرد.

در سرزمین آفتاب، کامی شی بای با آمدن تلویزیون از میان نرفت، و میان برنامه‌های تلویزیونی برای کودکان جایی پیدا کرد، چنانکه این هنر برای کودکان امروز هم آشناست. در این یکی - دو ساله هم تلاشی آغاز شده است که کامی شی بای رونقی دوباره پیدا کند؛ و برای آموزش این تصویرگری و داستان‌گویی به جوان‌ها دوره‌هایی ترتیب داده‌اند، و یکی از پیش‌کسوتان، یاشوئو، که ۳۷ سال در این کار تجربه دارد بنیادی برای حفظ این هنر ایجاد کرده، و ۲۴۰ نفر برای دوره داستان‌گویی و تصویرگری درخواست داده‌اند. یاشوئو طرح‌های زیبایی کشیده و داستان‌ها را به صورتی جذاب بازسازی کرده و شماری «جارزن» هم به یاری گرفته که به شیوه قدیم در کوی و گذرها می‌گردند و موعده نمایش‌ها را اعلام می‌کنند. می‌گویند که خسته شدن مردم از وسایل بی‌روح و یک سوبه‌ای همچون تلویزیون و رایانه به رونق دوباره کامی شی بای افزوده است.

پیرسالی جمعیت

میانگین موالید در خانواده ژاپنی که چند دهه پیش به ۴/۵۴ رسیده بود، از آن پس پی‌درپی کاهش یافته و اکنون کم‌تر از ۲، و در نواحی مختلف به تفاوت از ۱/۷۹ (در یوکوهاما) تا ۱/۰۹ (در توکیو) است؛ که کارشناسان آن را نشانه بحران جمعیت می‌شناسند، و می‌گویند که تا هنگامی که امید مردم به آینده بیشتر و دشواری‌ها و هزینه‌های بار آوردن فرزند کم‌تر نشود بهبودی در وضع پیدا نخواهد آمد. با به ثمر رسیدن نسلی که در آخرین دوره افزایش موالید (baby boom) در سال‌های پس از جنگ به دنیا آمده بود، دشواری‌ها یکی پس از دیگری چهره می‌نمایند؛ چنانکه دانشگاه‌ها نمی‌توانند به اندازه ظرفیت و آمادگی خود دانشجو بگیرند و بازار کار هم با کمبود کارجویان، به خصوص در رشته‌های مورد نیاز، روبرو می‌شود.

شماری از رویدادهای تازه به این بحران دامن می‌زند، کسانی می‌گویند که با نابسامانی نظام تأمین اجتماعی رغبتی به فرزنددار شدن ندارند، و کسانی هم عقیده

دارند که برنامه‌ریزی و گذران زندگی باید متناسب با طولانی شدن عمر تغییر کند (یکی آنکه دیرتر از کار بازنشسته شوند). برابر یافته‌های تازه آماری، متوسط سن ژاپنی‌ها برای زنان بیش از ۸۶/۰۶ سال و برای مردان بیش از ۷۹ سال، و هر دو بالاترین در جهان است. متوسط سنی که جوان‌ها در آن ازدواج می‌کنند نیز بالا رفته، و اکنون ۳۰/۲ و ۲۸/۵ سال، به ترتیب برای پسرها و دخترها، است.

از سوی دیگر، امروزه بسیاری از مادرها میان ۳۵ تا ۳۹ سالگی فرزند می‌آورند؛ و خیلی از خانواده‌ها می‌خواهند فقط یک فرزند داشته باشند. بسیاری از زنان هم می‌گویند که نمی‌خواهند فرزنددار شوند، چون این اول‌گرفتاری است.

محکمه جنایی با حضور هیأت منصفه

روز دوشنبه ۳ ماه اوت نخستین دادرسی جنایی با حضور هیئت منصفه در ژاپن آغاز شد، و جریان چهار روزه آن که تحول تازه‌ای در نظام دادرسی در ژاپن است توجه گسترده مردم و رسانه‌ها را به خود گرفت.

اتخاذ و اجرای نظام نوین دادرسی از نخستین تدابیر هوشمندانه و کارسازی بود که سران نهضت تجدد میجی (از سال ۱۸۶۸ میلادی) بدان همت نهادند، و با این کار راه بهانه‌جویی قدرت‌های غربی را برای ادامه کاپیتولاسیون و حق قضاوت کنسولی که با پیمان‌های نابرابر در نیمه سده نوزده به ژاپن تحمیل کرده بودند، بستند. اما نظام حقوقی ژاپن، به‌خصوص آئین دادرسی، همپای دگرگونی‌های دنیای جدید پیش نرفته و نارسائی‌های آن سخت مورد ایراد منتقدان و کارشناسان قضایی و فعالان حقوق بشر است. بیش از هر چیز، رعایت نشدن کامل حقوق متهمان و نیز حقوق قربانیان جنایت و خانواده آنها هدف انتقاد بوده است. متهمان در اتاق‌های دربسته و بی‌حضور وکیل مدافع، از سوی پلیس، گاه با رفتار خشونت‌آمیز، بازجویی می‌شوند؛ و مراحل دادرسی تا صدور حکم قطعی و نهایی سال‌های بسیار طول می‌کشد؛ و ۹۹ درصد دادرسی‌های جنایی به محکومیت متهمان می‌انجامد.

این نخستین دادرسی جنایی با حضور هیئت منصفه، که محاکمه مردی ۷۲ ساله به اتهام کشتن پیرزن همسایه به دنبال اختلاف و بگومگو بر سر گذاشتن زباله در کوچه بود، پس از پنج سال برنامه‌ریزی و تدارک گسترده و دقیق انجام می‌شد، و چهار روز ادامه داشت (دو روز و نیم استماع دعوا، و یک روز و نیم هم مشاوره قضات برای تصمیم‌گیری). شش عضو هیئت منصفه که از میان سیصد هزار تن از مردم عادی به قرعه

انتخاب شده بودند همراه سه قاضی حرفه‌ای بر کرسی دادرسی نشسته بودند. نمایندگان دادستان و وکلای متهم کوشیده بودند تا جزئیات قضیه، احوال پیرامون جرم، و دیدگاه خود را به زبان ساده و آسان فهم و با یاری گرفتن هرچه بیشتر از تصویر و نمودار و جداول ساده مطرح کنند. پیش‌تر هم جلسه‌های توجیهی و دادرسی نمایشی برای آماده کردن ذهن اعضای هیئت منصفه برگزار شده بود. با همه نارسایی‌ها که در آغاز اجرای هر نظام تازه قابل پیش‌بینی است، ناظران نتیجه کار را بر رویهم مثبت ارزیابی می‌کنند. یک ویژگی این دادرسی این است که قضیه مطرح شده که در موارد مشابه بسا که سال‌ها می‌کشید تا پرونده قضایی تکمیل و به دادگاه برده شود، در مدتی کم‌تر از سه ماه پس از وقوع جرم به دادرسی و صدور حکم (پانزده سال زندان، یک سال کم‌تر از مجازات درخواست شده از سوی دادستان) انجامیده است.

پیشه و هنر

روز ۲۶ ماه مه / ۵ خرداد ۱۳۸۸ گزارشی در تلویزیون سراسری اینجا آموزش هنرجویان یک هنرستان صنعتی را نشان می‌داد. در کارگاه تراش چوب، مهارت هنرآموزان به جایی می‌رسد که در هموار کردن سطح چوب با رنده دستی، ضخامت ورق چوب یا پوشالی که به پهنای حدود پنج سانتی‌متر از پشت رنده‌شان بیرون می‌آید کم‌تر از یک هزارم میلی‌متر است. به یاد دارم که بیش از سی سال پیش قفسه چوبی سراسری در اتاق خانه‌ای که در توکیو در اجاره داشتم چنان ظریف و دقیق ساخته شده بود که پس از باز کردن یک کشوی چوبی اگر آن را کمی با شتاب می‌بستم، برای نبودن هیچ درز و منفذ هواگیری در هیچ یک از کشوها، یکی از کشوهای دیگر که بسته بود بر اثر فشار هوا در داخل قفسه بیرون می‌زد.

باز هم خودکشی

خودکشی با انداختن خود زیر چرخ‌های قطار (بیش‌تر، قطاری که دارد وارد ایستگاه می‌شود یا قطار سریع‌السیر که قرار توقف در ایستگاهی فرعی ندارد و از برابر سکوی آن تند می‌گذرد) از شیوه‌های خودکشی در ژاپن است، کشوری که یکی از پیشرفته‌ترین فن‌آوری ریلی و طولانی‌ترین شبکه قطارهای شهری و میان‌شهری را به تناسب وسعت خاک در جهان دارد. ۶۳۱ مورد خودکشی زیر چرخ‌های قطار در سال ۲۰۰۸ روی داده، که جدا از فاجعه انسانی آن دشواری‌های بسیار در رفت و آمد ترن‌ها پیش آورده است.

اگر حادثه در ایستگاه‌هایی عمده و در ساعت‌های پُر تردد روی دهد، اختلالی که پیش می‌آورد بیشتر است؛ ترن‌ها در سراسر آن مسیر از حرکت می‌ایستند، و گاه افزون بر یکصد هزار مسافر از رسیدن به مقصد و کار خود باز می‌مانند. یکی از کارشناسان درباره رواج این راه خودکشی گفته که چون موارد آن را مردم بارها شنیده یا دیده‌اند، در ضمیر ناخودآگاهشان جایگیر شده است؛ و آنها که از زندگی سیر می‌شوند همین راه را انتخاب می‌کنند. در این میان بنگاه‌های راه آهن برای شناختن کسانی که نیت خودکشی با انداختن خود زیر ترن دارند، تدبیرهای گوناگون اندیشیده‌اند؛ مانند نصب آینه‌های خاص حراست و دوربین‌های تلویزیونی متعدّد و، پرهزینه‌تر از همه، نصب دیواره یا نرده‌های فلزی در دو کنار سکوها که درهای تعبیه شده میان آن فقط پس از توقف کامل ترن باز می‌شود. می‌گویند که امسال بر اثر کساد اقتصادی و بیکاری و ورشکستگی‌های پیامد آن، خودکشی در ایستگاه‌های قطار فزونی گرفته است.

نام‌های رایج

در پایان سال ۲۰۰۸ اعلام شد که در این سال در نامگذاری نوزادان نام هیروکی برای پسران و هینا برای دختران از همه بیشتر بوده است. این یافته حاصل آمارگیری نمونه از نام داده شده به بیش از هشت هزار نوزاد است. نامی که خانواده‌ها به فرزندان خود می‌دهند، می‌تواند نمودار بسیاری از جریان‌های اجتماعی و فرهنگی باشد.

مبارزه با هزار فامیل

اکثریتی از نمایندگان مجلس ژاپن به فکر افتاده‌اند که طرحی برای محدود ساختن نامزدی بستگان و خویشان درجه اول سیاستمداران برای جانشینی آنها در مقام‌های انتخابی به قوه قانونگذاری بدهند، تا این خویشاوندان نتوانند در همان حوزه نامزد و انتخاب شوند. برابر رسمی که در سیاست ژاپن، به ویژه در رویه حزب حاکم محافظه‌کار، معمول شده، فرزند و در مواردی کسی دیگر خویشان نزدیک سیاستمداری که به سن کهولت رسیده یا در گذشته است به اعتبار شهرت و نفوذ او و بی آنکه خود مایه و کفایتی چندان داشته باشند به آسانی جای او را می‌گیرد و جایگاه‌های انتخابی به مقام‌های موروثی بدل می‌شود. چند سال پیش که نخست‌وزیر وقت ژاپن به ناگاه در حین تصدی درگذشت، دختر او که داشت در یکی از دانشگاه‌های خارج درس می‌خواند چُست و چالاک آمد و با حمایت حزب حاکم به جای پدر وارد مجلس قانونگذاری شد.

ساز محلی هوکایدو

شامیسن از سازهای ژاپنی است، از گونه سازهای زهی و با ترکیبی مانند تار، که با انگشتانه‌ای که به تارها زخمه می‌زند نواخته می‌شود و آوایی دلنشین و شورانگیز دارد. این ساز بیشتر رقص‌ها یا آوازهای محلی ژاپن را همراهی می‌کند. گونه‌ای از آنکه شوگار و جامیسن خوانده می‌شود و سه ردیف تار دارد، ساز محلی هوکایدو، یکی از چهار جزیره اصلی و سرزمین برفی ژاپن در شمال این کشور، است. هوکایدو، که بیشتر یزؤ خوانده می‌شد و مردم آیتویا بومیان شمال ژاپن در آن می‌زیستند، دنباله‌اش با یک رشته جزایر دنبال هم به سیبری می‌رسد. هوکایدو امروزه مرکز دامپروری و بسیاری صنایع کشاورزی و غذایی ژاپن است.

آکاساکا، نوازنده شوگار و جامیسن در هوکایدو، که پانزده سال است که این ساز را می‌نوازد، می‌گوید که شماری از آهنگ‌هایش را دارد فراموش می‌کند. نواختن این ساز از روی نت نیست و نوازندگان آهنگ‌ها را سینه به سینه به جوان‌ترها یاد می‌دهند. بهار امسال مسابقه‌ای میان نوازندگان این ساز در هوکایدو برگزار شد.

به تازگی با جا دادن میکروفون ریزی زیر هر ردیف تار، دقایق زیر و بم آوای ساز را به رایانه منتقل می‌کنند که آن را به صورت نت درمی‌آورد. آکاساکا می‌گوید که گاهی به یاد آوردن و ضبط جزئیات آهنگ‌هایی که می‌نوازد برایش سخت است؛ اما با رایانه می‌توان اجراهای گوناگون از یک آهنگ را ضبط کرد. می‌گویند که شوگار و جامیسن یکی از قدیم‌ترین سازهایی است که ژاپن می‌تواند به آن بیابد. شوگار و جامیسن الکترونیک هم ساخته‌اند؛ اما این همزاد ماشینی صداها را هم ضبط می‌کند، و درجه دقتش بیش از ۸۰ درصد نیست.